University of Tehran Press

Private Law
Home Page: https://jolt.ut.ac.ir

Online ISSN: 2423-6209

Comparative Study of Legal Arrangements Applicable to the Joint Operating Agreements in Iranian, English and US Laws

Mahdi Abbasi Vafaei[1*] | Seyed Ali Seyed Ahmadi Sajadi[2]

1. Corresponding Author, Department of Energy and International Trade Law, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mahdi_abbasi60@ut.ac.ir
2. Department of Private Law, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: sahmadi@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: February 02, 2026
Revised: August 20, 2026
Accepted: August 23, 2026
Published online: 14 November 2026

Keywords:
Joint Venture,
Partnership,
Joint Operations,
Mining,
Oil and Gas.

ABSTRACT

Joint Operating Agreements (JOAs) in the oil and gas industry face significant legal challenges when domestic partnership laws are involuntarily applied to these contractual arrangements. This study employs a comparative analysis of English, U.S., and Iranian law to determine the conditions under which domestic partnership rules govern JOAs and to propose solutions to prevent such unintended legal consequences. The research examines how English law applies partnership principles through the lens of "joint lifting" and sale of production; how U.S. law invokes "mining partnerships" based on joint management and control; and how Iranian law addresses "civil companies" through common ownership. The findings indicate that despite express contractual agreements, courts may still impose these domestic rules, potentially undermining the operational autonomy of the JOA—such as disrupting the authority of Operating Committees or individual lifting rights. The study concludes by proposing modeling solutions to safeguard the contractual integrity of JOAs against domestic partnership interference.

Cite this article: Abbasi Vafaei, M. & Seyed Ahmadi Sajadi, A. (2026). Comparative Study of Legal Arrangements Applicable to the Joint Operating Agreements in Iranian, English and US Laws. *Private Law*.23 (1), 61-74. http//doi.org/10.22059/jolt.2026.410059.1007448

© Authors retain the copyright and full publishing rights.
Publisher: University of Tehran Press.
DOI: http//doi.org/10.22059/jolt.2026.410059.1007448

انتشارات دانشگاه تهران

حقوق خصوصی

سایت نشریه: https://jolt.ut.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۶۲۰۹-۲۴۲۳

مطالعه تطبیقی قالبهای قانونی قابل اعمال نسبت قرارداد عملیات مشترک نفتی فیمابین شرکتهای بین المللی نفتی در حقوق انگلستان، آمریکا و ایران

مهدی عباسی وفائی[۱*] | سیدعلی سیداحمدی سجادی[۲]

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق انرژی و تجارت بین الملل، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mahdi_abbasi60@ut.ac.ir

۲. گروه حقوق خصوصی، دانشکدهٔ حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sahmadi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۸/۲۳

کلیدواژه:
جوینت‌ونچر،
شراکت،
عملیات مشترک،
معدنی،
نفت‌وگاز.

چکیده

به سبب عملیات مشترک، شرکتهای نفتی با این چالش روبرو هستند که ممکن است مقررات داخلی مربوط به شرکت (مدنی یا تجاری) نسبت به قرارداد اعمال شود، علی‌رغم توافق صریح بر اینکه بین آنها شرکت یا شراکتی وجود ندارد. مسئله این است که تحت چه شرایطی مقررات مربوط به شرکت در حقوق انگلستان، آمریکا و ایران بر قرارداد عملیات مشترک اعمال می‌شود و چه راهکارهایی برای جلوگیری از آن وجود دارد. اعمال مقررات «شراکت» در حقوق انگلستان منوط به برداشت و فروش مشترک نفت‌وگاز تولیدی از سوی طرفها، و «شراکت معدنی» در حقوق آمریکا منوط به وجود مدیریت و کنترل مشترک بر عملیات نفتی است. در حقوق ایران، مقررات «شرکت مدنی» در صورت وجود مالکیت مشترک (اشاعه) اعمال می‌گردد. علی‌رغم توافق بر عدم وجود شراکت، ممکن است دادگاهها قائل به اعمال مقررات فوق باشند؛ به همین جهت، در نمونه قراردادهای تحت تأثیر حقوق انگلستان هریک از طرفها متعهد به برداشت انفرادی نفت‌وگاز تولیدی بوده و در نمونه قراردادهای تحت تأثیر حقوق آمریکا، کمیته مشترک راهبری پیش‌بینی نمی‌شود. در حقوق ایران، قانون حداکثر مصوب ۱۳۹۸ دو قالب شرکت تجاری و گروه اقتصادی با منافع مشترک را پیش‌بینی نموده است.

استناد: عباسی وفائی، مهدی و سیداحمدی سجادی، سیدعلی (۱۴۰۵). مطالعه تطبیقی قالبهای قانونی قابل اعمال نسبت قرارداد عملیات مشترک نفتی فیمابین شرکتهای بین المللی نفتی در حقوق انگلستان، آمریکا و ایران. *حقوق خصوصی*، ۲۳ (۱) ۶۱-۷۴.
http//doi.org/10.22059/jolt.2026.410059.1007448

© نویسندگان.
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
DOI: http//doi.org/10.22059/jolt.2026.410059.1007448

۱. مقدمه

زمانی که قرار است یک پروژه بالادستی نفتی به صورت مشترک توسط دو یا چند شرکت بین‌المللی نفتی انجام شود، بین آنها قرارداد عملیات مشترک منعقد می‌گردد. این قرارداد با عناوین دیگری نیز شناخته می‌شود، از جمله مشارکت در سرمایه‌گذاری (جوینت ونچر)، بهره‌برداری مشترک و شرکت‌نامه (شیروی، ۱۳۹۳: ۳۷۳).

این قرارداد ممکن است هم برای میادین مستقل و هم برای میادین مشترک به امضا برسد. در صورتی که قرار باشد میدان مشترک تحت عملیات مشترک قرار گیرد، قراردادی تحت عنوان قرارداد یکی‌سازی (قرارداد عملیات یکپارچه)[1] بین طرفها منعقد که در این قرارداد، علاوه بر نحوه یکی‌سازی میدان، نحوه انجام عملیات مشترک در این قرارداد قید خواهد شد، همچنانکه که در نمونه قرارداد یکی‌سازی انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی نیز همین قضیه رخ داده و در راهنمای ارائه شده از سوی این انجمن برای این نمونه قرارداد، به این موضوع اذعان شده است (AIPN,2006:1-2). با اینحال، عملیات مشترک درخصوص میادین مشترک (به ویژه میادین مشترک بین کشورها) به لحاظ نقش حاکمیت، تعدد نظام حقوقی، تعارض منافع اقتصادی و امنیت ملی و مصالح عمومی تا حدودی متفاوت از عملیات مشترک درخصوص میادین مستقل است.

گرد هم آمدن چند شرکت نفتی جهت انجام عملیات بالادستی نفتی، امکان حاکمیت مقررات داخلی کشورها درخصوص انواع قالبهای قانونی شراکت (اعم از شرکت مدنی یا تجاری و نیز گروه‌های شرکتی) بر قرارداد عملیات مشترک را فراهم می‌آورد. توافق صریح طرفها مبنی بر عدم وجود شراکت در روابط بین آنها و همچنین انتخاب قانون یک کشور خاص بعنوان قانون حاکم نمی‌تواند از اعمال این مقررات از سوی مراجع قضایی جلوگیری نماید (Fowler,2019:406).

به همین دلیل، لازم است، از طریق بررسی پرونده‌های قضایی، این پرسش پاسخ داده شود که چه شرایطی باید فراهم گردد که مقررات داخلی مربوط به قالبهای قانونی شراکت بر قرارداد عملیات حاکم شود؟ این الزامات قانونی چه تأثیری بر ساختار و شروط نمونه قراردادهای موجود گذاشته است؟ در جهت مطالعه تطبیقی، آیا ضرورتی بر وجود این گونه ساختارها در قراردادهای تحت حاکمیت قانون ایران دارد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش از این جهت ضروری است که قرارداد عملیات مشترک اساساً در بستر نظام حقوقی کامن‌لا رشد و توسعه یافته که این امر بر اصطلاحات و مفاهیم موجود در نمونه قراردادهای عملیات تأثیرگذار بوده و موجب شده پژوهشهای (see: Pereira, 2015) از نظام حقوق نوشته جهت تطبیق مفاهیم کامن‌لایی این نمونه قراردادها انجام شود. حتی انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی[2] (که یکی از مهمترین نمونه قراردادهای عملیات مشترک را ارائه داده است)، نیز در راهنمای نمونه قرارداد خود، جهت تطبیق مفاهیم قراردادی موجود حقوق نوشته ارائه داده است (AIPN,2012:2-8). یکی از مهمترین (یا شاید مهمترین) مسائل ویژه نظام کامن‌لا که بر قرارداد عملیات مشترک و مفاهیم و مفاد این قرارداد نیز تأثیرگذار بوده، امکان حاکمیت و اعمال قوانین مربوط شرکت یا گروه شرکتی بر این قرارداد است. در این تحقیق فرض برآن است که ساختار قراردادی و شروطی که در نمونه قراردادهای موجود جهت جلوگیری از اعمال مقررات داخلی مربوط به شراکت در نظام کامن‌لا طراحی شده برای قراردادهای تحت حاکمیت حقوق ایران ضرورتی ندارد.

اهمیت عملی این پرسش‌ها در سالهای اخیر، به‌ویژه با تصویب نسل جدید قراردادهای بالادستی نفتی ایران (IPC) که قانون ایران را به‌عنوان قانون حاکم تعیین می‌کند، دوچندان شده است. فعالان حوزه نفت و گاز تمهیدات قراردادی رایج در نمونه‌های کامن‌لایی (از قبیل تعهد برداشت انفرادی نفت‌وگاز تولیدی یا حذف کمیته راهبری) در بستر حقوق ایران، تا چه اندازه می‌تواند کارایی حقوقی مدنظر نگارندگان قرارداد را داشته باشد. پاسخ به این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که خطای در تحلیل می‌تواند موجب شود شرکت‌ها با یک قالب قانونی ناخواسته (شرکت مدنی یا شرکت تضامنی) روبه‌رو شوند که آثار حقوقی، مالیاتی و مسئولیتی آن از پیش‌بینی طرفین خارج است.

لازم به ذکر است پرسش اصلی پژوهش حاضر می‌تواند با قراردادهای یکی‌سازی[3] نیز ارتباط پیدا کند به این شرط که پس از

1. Unit Operating Agreement (UOA)/Unitization Agreement
2. Association of International Petroleum Negotiators (AIPN)
3. unitization agreement

یکی‌سازی مخزن، توافق طرف‌ها بر انجام عملیات به صورت مشترک بوده و طرف‌های قرارداد یکی سازی، اشخاص خصوصی باشند. اگر توافق یکی‌سازی مخزن در سطح دولت‌ها (و نه مالکین خصوصی یا صاحبان امتیاز نفتی) باشد، اهمیت بحث به کمترین سطح خود می‌رسد زیرا هیچ دولتی حاضر نمی‌شود که توافقنامه یکی‌سازی یا توافقنامه عملیات مشترک ناشی از یکی‌سازی تحت حاکمیت قانون داخلی یکی از کشورها قرار گیرد. بنابراین، پرسش پژوهش حاضر صرفاً در جایی می‌تواند کارایی دارد که میدان نفتی بین دو کشور مشترک نباشد بلکه میدان داخلی یکی از کشورها بین دو یا چند شرکت پیمانکار بالادستی با انعقاد قرارداد تحت عملیات مشترک قرار گیرد.

در این پژوهش، ابتدا قالبهای قانونی کامن‌لا و شرایط اعمال آن نسبت به قرارداد عملیات مشترک نفتی مورد بررسی و سپس قالبهای قانونی که ممکن است نسبت به قرارداد عملیات مشترک نفتی در حقوق ایران اعمال گردد با مقایسه با کامن‌لا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. قالبهای قانونی کامن‌لا و شرایط اعمال آن

در نظامهای حقوقی انگلستان و آمریکا، قرارداد عملیات مشترک ممکن است تحت عنوان «شراکت»، «شراکت معدنی» یا «جوینت‌ونچر» شناسایی و آثار قانونی این قالبها بر قرارداد اعمال گردد. این قالبها و شرایط شناسایی آنها ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. شرایط ایجاد شراکت (Partnership) و راهکار جلوگیری از اعمال مقررات آن نسبت به قرارداد عملیات مشترک نفتی

۲-۱-۱. شرایط ایجاد شراکت و خصائص آن

بند ۱ ماده ۱ قانون شراکت مصوب ۱۸۹۰ انگلستان، شراکت را بدین ترتیب تعریف می‌نماید: «شراکت رابطه‌ای است میان چند شخص برای انجام کسب و کار بطور مشترک با هدف رسیدن به سود». مشترک بودن مالکیت یا حق تصرف یا داشتن درآمد (ناخالص) [1] مشترک بین دو یا چند شخص لزوماً منجر به ایجاد شراکت نمی‌شود اما شریک بودن سود [2] (درآمد خالص) اماره (نه دلیل قطعی) بر وجود شراکت است (ماده ۲ قانون فوق).

اگرچه شراکت شخصیت حقوقی جدا از شرکا ندارد، اما در برخی موضوعات برای شراکت، از شرکا مستقل هستند، مثلاً از لحاظ مالیاتی یا امکان اقامه دعوی علیه شراکت. قراردادهایی که به نام شراکت بسته می‌شود، علیه شرکا قابلیت اجرا دارد (Blackett-Ord and Haren,2015:206). شراکت می‌تواند به طور مستقیم اشخاصی را استخدام کند و می‌تواند مستقلاً از شرکا مالک اموال شود. لذا، شرکا نسبت به اموال شراکت، مالکیت مشاعی نخواهند داشت (ماده ۲۰ قانون شراکت مصوب ۱۸۹۰) و در نتیجه مالکیت شرکا نسبت به اموال شراکت، پس از انحلال و کسر دیون شراکت تحقق می‌یابد (ماده ۳۹ قانون شراکت ۱۸۹۰).

ایجاد شراکت منوط به ایجاد سرمایه (مشترک) است. هریک از شرکا آورده را باید داشته باشد که این آورده‌ها یک کاسه [3] شده و برای انجام موضوع شراکت به کار گرفته می‌شود. همچنین، هریک از شرکا حق دریافت سهم نقدی خود از منافع انجام موضوع شراکت را خواهند داشت.

از آنجایی که در شراکت، تولیدات حاصل از پروژه موضوع شراکت به فروش رسیده و عواید حاصل از فروش بین شرکا تقسیم می‌گردد، لذا در این نوع قالب برای دفتر حساب سود و زیان نیز نگهداری می‌شود.

در ماده ۳۰ قانون شراکت مصوب ۱۸۹۰ پیش‌بینی شده که چنانچه یکی از شرکا کسب و کار رقابتی و مشابهی انجام دهد، منافع حاصل از آن کسب و کار مشابه باید به حساب شراکت گذاشته شود.

در شراکت، پس از تحقق انتقال حقوق به ثالث یا خروج، انتقال‌دهنده یا شریک خارج شده در مقابل کلیه طرفها از تعهدات و مسئولیتها مبری می‌گردد (ماده ۱۷ قانون شراکت مصوب ۱۸۹۰). همچنین، شراکت با اعلام انحلال از سوی یکی از شرکا یا فسخ ایشان به دلیل ورشکستگی یا افلاس سایر شرکا، منحل می‌گردد. (بند ج ماده ۳۲ و بند ۱ ماده ۳۳ قانون شراکت).

1. gross returns
2. profits
3. pool

۲-۱-۲. راهکار جلوگیری از اعمال مقررات شراکت بر قرارداد عملیات مشترک نفتی

ساختار نمونه قراردادهای عملیات مشترک به گونه‌ای طراحی شده که مقررات شراکت بر این قرارداد حاکم نگردد. نمونه قرارداد انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی، اگرچه به عنوان یک نمونه قرارداد جهان شمول ارائه گردیده، ساختار خود را براساس مقررات حقوق انگلستان و جلوگیری از اعمال مقررات شراکت بر این نمونه قرارداد بنا نهاده است. لذا، در اینجا محوریت بر راهکارهایی است که در این نمونه قرارداد آمده است.

نخستین ویژگی شراکت، لزوم تشکیل سرمایه است. جهت افتراق با شراکت، در قرارداد عملیات مشترک، جهت تأمین مالی عملیات به جای تشکیل سرمایه، مقرر می‌شود که هریک از طرفهای قرارداد به نسبت سهم خود (در قالب درخواست وجه[1] یا درخواست پرداخت فاکتور[2]) به صورت موردی هزینه‌های عملیات را به راهبر بپردازد. در تعریفی که نمونه قرارداد انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی برای درخواست وجه و نیز سهم ارائه داده است، می‌توان ساختار و نحوه تأمین مالی را مشاهده نمود.

ویژگی بعدی شراکت این است که آنچه که نهایتاً بین شرکا تقسیم و تسهیم می‌شود، سود خالص است. به همین جهت در قراردادهای عملیات مشترک قید می‌گردد به جای اینکه نفت‌وگاز تولیدی فروخته و حاصل فروش بین طرفها تقسیم شود، در قرارداد قید می‌گردد که هریک متعهد به برداشت سهم خود از نفت‌وگاز تولیدی هستند. به همین دلیل، در قرارداد عملیات مشترک صرفاً دفتر حساب هزینه و مخارج نگهداری می‌شود و برای حساب سود و زیان، دفتری نگهداری نمی‌گردد. در استرالیا، به موجب قاعده پرونده بکنهام علیه پورت جاکسون[3] در سال ۱۹۵۷ ، عدم وجود حساب سود و زیانامارهای بر این است که شراکت وجود ندارد. با اینحال، در برخی موارد ممکن است حساب سود و زیان نیز برای قرارداد عملیات مشترک نگهداری شود. بعنوان مثال، تجهیزات مربوط به عملیات مشترک به اشخاص ثالث اجاره داده شود (Taylor and Tyne,1992:25-6; Roberts and Fowler,2020: 304).

برخی متذکر شده‌اند که چنانچه در قرارداد عملیات مشترک این امکان پیش‌بینی شده باشد که راهبر بتواند پیش از به بار آمدن هزینه‌ها، از طرفهای غیرراهبر مطالبه وجه نماید، یا نفت تولیدی را از سوی کلیه طرفها بفروشد و وجوه حاصل را به حساب طرفهای بگذارد، ممکن است اماره‌ای بر تشکیل شراکت تلقی گردد (Roberts and Fowler,2020:304).

با این همه، امکان وجود شراکت بدون سرمایه مشترک نیز وجود دارد. این موضوع در پرونده فورمونت علیه کوپلند[4] در سال ۱۸۲۴ در انگلستان و نیز پرونده جورج علیه پلیت[5] در سال ۱۹۵۴ در ایالت تگزاس آمریکا مورد تأیید قرار گرفته است. در پرونده قدیمی کوپ علیه ایر[6] ۱۷۸۸ و گیبسون علیه لوپتون[7] در سال ۱۸۳۲ بر این حکم شد که در صورتی که نفت‌وگاز تولیدی به صورت جنس بین طرفها تقسیم شود، شراکت وجود نخواهد داشت. اما در یک پرونده در آمریکا (میدیسون علیه آی.آر.اس[8] در سال ۱۹۸۰) برخلاف این موضوع حکم شد. برخی نتیجه‌گیری کرده‌اند که تقسیم محصول به صورت جنس (نه فروش محصول و تقسیم عاید حاصل از فروش) اماره‌ای (و نه دلیل قطعی) بر عدم وجود شراکت است که می‌توان خلاف آنرا نیز به اثبات رساند (Taylor and Tyne,1992:25).

در مورد امکان داشتن فعالیتهای مشابه و رقابتی، نیز با پیش‌بینی امکان انجام عملیات غیرمشترک در قراردادهای عملیات مشترک، شناسایی این قرارداد را به عنوان عقد شراکت را دشوارتر می‌کند (Taylor and Tyne,1992:25; Roberts and Fowler,2020:302). ماده ۷ نمونه قرارداد انجمن به موضوع عملیات غیرمشترک پرداخته است.

---

1. cashcall
2. invoice request
3. Beckenham v. Port Jackson and Manly Steamship Co (1957) 57 SR (NSW) 403.
4. Formont v. Coupland (1824) 2 Bing 170.
5. George Hall & Son v. Plait (H M Inspector of Taxes) (1954) 35 Tax Cas. 440.
6. Coope v. Eyre (1788) 1 H. BI. 37.
7. Gibson v. Lupton (1832) 131 ER 626.
8. Madison Gas and Electric Company v. IRS (1980) 633 F 2d 512.

همچنین در مورد استقلال شراکت در تملک اموال و استخدام اشخاص باید گفت در قراردادهای عملیات مشترک، نیروی کار استخدامی از سوی راهبر، صرفاً مستخدم راهبر محسوب می‌شود. در پرونده تلویژن علیه اشتونز[1] در سال ۱۹۷۹ دادگاه به این دلیل حکم به عدم وجود شراکت نمود که افراد استخدام شده توسط یکی از طرفها که برای جوینت‌ونچر کار می‌کنند، مستخدمین همان طرف محسوب می‌شوند نه مستخدمین همه طرفها مجتمعاً (Taylor and Tyne,1992:26; Roberts and Fowler,2020:305). همچنین، در قرارداد عملیات مشترک، هریک از طرفها حق مالکیت مشاعی در اموال عملیات مشترک، به نسبت سهم خود، خواهند داشت (Roberts and Fowler,2020:305). در نمونه قرارداد انجمن نیز اموال مشترک متعلق به همه طرفها است.

در قرارداد عملیات مشترک نفتی، حتی پس از انتقال حقوق یا خروج، ممکن است مسئولیت‌هایی راجع به برچیدن تأسیسات داشته باشند. در مورد حق فسخ یا انحلال قرارداد، معمولاً در قراردادهای عملیات مشترک چنین حق یا اختیاری برای طرفین وجود ندارد. با انجام یا منتفی شدن موضوع، شراکت از بین می‌رود اما اگر قرارداد بالادستی اصلی منحل شود، ممکن است قرارداد عملیات مشترک درخصوص برخی موضوعات ادامه یابد.

بطور کلی، برخی اظهار داشته‌اند که به نظر اکثریت نویسندگان حقوق انگلستان قرارداد عملیات مشترک ماهیتاً عقد شراکت نیست. بلکه می‌توان گفت قرارداد عملیات مشترک یک بستر و پلتفورمی برای گردهم آمدن شرکتهای نفتی جهت انجام فعالیت اقتصادی جهت کسب سود است. (Shaw,1996:15; Roberts and Fowler,2020:306).

۲-۳. شرایط ایجاد شراکت معدنی (Mining Partnership) وراهکار جلوگیری از اعمال مقررات آن نسبت به قرارداد عملیات مشترک نفتی

۲-۳-۱. شرایط ایجاد شراکت معدنی و خصائص آن

شراکت معدنی، قالبی است که در آمریکا مطرح است. یکی از انواع شراکتها در آمریکا شراکت معدنی است. شراکت معدنی در جایی مطرح می‌شود که چند شخص مالک یک معدن هستند. روابط بین مالکان مشترک معدن، تحت مقررات عام مالکیت مشترک بر مال غیرمنقول قرار می‌گیرد.

برای اینکه یک شراکت معدنی وجود داشته باشد، باید پنج شرط فراهم آید. اولین شرط اشتراک در مالکیت است، یعنی باید دو یا چند شخص بطور مشترک مالک یک معدن یا مخزن نفتی باشند. به صرف اشتراک در تصرف نمی‌توان به وجود شراکت معدنی بین شرکا حکم داد (Wrightington,2002:68-9). بنابراین، مستنداً به پرونده دانبار علیه اولسن[2] در سال ۱۹۵۳، صرف انجام عملیات نفتی از سوی یکی از مالکین، باعث ایجاد شراکت معدنی بین آنها نمی‌گردد.

شرط دوم برای ایجاد شراکت معدنی این است که شرکا عملیات نفتی را بطور مشترک انجام دهند. اما، در خصوص اینکه چه چیزی عملیات مشترک محسوب می‌شود، در رویه قضائی آمریکا اختلاف نظر وجود دارد. در پرونده مایستر علیه فارو[3] در سال ۱۹۳۹ در ایالت مونتانا حکم شد که نیازی نیست همه شرکا در عملیات نفتی بطور فیزیکی شرکت داشته باشند، تا به آن عملیات، عملیات مشترک اطلاق شود، بلکه صرف مشارکت شرکا در تأمین هزینه‌ها کفایت می‌کند. در پرونده استفن علیه آلن[4] در سال ۱۹۵۲ و پرونده بنتلی علیه بروسارد[5] در سال ۱۹۰۸ نیز اذعان شد که عملیات نفتی صرفاً از سوی یکی از طرفها (راهبر) و این مانع از تحقق شراکت معدنی نیست (Williams and Meyers,1,2018:§ 435).

1. Television Broadcaster Ltd v. Ashtons Nominees Pty Ltd (1979) 22 SASR 522.
2. Dunbar v. Olson, 349 Ill. App. 308, 110 N.E.2d 664, 2 O.&G.R. 321 (1953).
3. Meister v. Farrow, 109 Mont. 1, 92 P.2d 753 (1939).
4. Stephens v. Allen, 314 Ky. 769, 237 S.W.2d 72, 24 A.L.R.2d 1353 (1951).
5. Bentley v. Brossard, 33 Utah 396, 94 P. 736 (1908).

سومین شرط این است که بین طرفها توافقی مبنی بر شریک بودن در سود و زیان وجود داشته باشد که البته لازم نیست این توافق صریح باشد (پرونده ماد کنترل علیه کاوی[1] در سال ۱۹۵۴ و پرونده مانسی علیه میلز در سال ۱۹۲۶).

شرط چهارم وجود نمایندگی مشترک است. در نتیجه شراکت، هریک از طرفها نماینده سایر طرفها می‌شود که به آن نمایندگی مشترک (متقابل)[2] گفته می‌شود. از این رو، برخی از دادگاه‌های آمریکا وجود نمایندگی مشترک بین طرفهای عملیات مشترک نفتی را دلیل بر وجود شراکت معدنی گرفته‌اند. وجود نمایندگی مشترک بعنوان معیاری برای سنجش وجود شراکت معدنی، مورد انتقاد قرار گرفته است. در پرونده میهان علیه ولنتاین[3] در سال ۱۸۹۲ اینگونه بیان شد: «استناد به نمایندگی بعنوان معیاری قاطع برای سنجش وجود شراکت مناسب نیست، زیرا نمایندگی خود نتیجه شراکت است [نه اینکه شراکت نتیجه نمایندگی باشد]» (Jones,1934:429).

علاوه بر شروط بالا، دادگاه‌های آمریکا اجتماع منافع[4] را نیز جز شروط تشکیل شراکت معدنی ذکر نموده‌اند. اما این اصطلاح تابحال تعریف نشده است (Williams and Meyers,1,2018:§ 435). به نظر برخی در صورت وجود چهار شرط فوق، جایی تردیدی در وجود شرط اجتماع منافع باقی نمی‌ماند (Jones,1934:428).

۲-۳-۲. راهکار جلوگیری از اعمال مقررات شراکت معدنی بر قرارداد عملیات مشترک نفتی

از بین نمونه قراردادها، نمونه قرارداد انجمن کارگزاران تخصصی نفتی آمریکا[5] بیشترین تأثیر را از الزامات و مقررات آمریکا پذیرفته، لذا راهکارهایی که در این جا ذکر شده براساس این نمونه قرارداد است.

اولین بحث در مورد اثر تصریح طرفها به عدم وجود شراکت معدنی در روابط فیمابین است. به موجب حقوق آمریکا در صورتی که شرکا در عملیات بصورت مشترک دخالت داشته باشند، دادگاه‌ها حکم به وجود شراکت معدنی خواهند داد. در پرونده ماد کنترل علیه کاوی[6] در سال ۱۹۵۴ در ایالت یوتا دادگاه به دلیل وجود حداقل کنترل مشترک در عملیات نفتی، رأی به شراکت معدنی داد (Williams and Meyers,1,2018:§ 435.2). به همین دلیل است که نمونه قراردادهای عملیات مشترک در آمریکا، کمیته راهبری را پیش‌بینی نمی‌کنند تا وجود کنترل مشترک و تبعاً احتمال وجود شراکت معدنی را منتفی نمایند. این موضوع را می‌توان در نمونه قرارداد انجمن کارگزاران تخصصی نفتی آمریکا مشاهده نمود.

در این جهت توصیه‌هایی نیز شده است. اولین توصیه پرهیز از بکار بردن عبارات «مشترک» یا «عملیات نفتی مشترک» در عنوان یا مفاد قرارداد است. توصیه شده است که در قرارداد اجاره نفتی، انتقال مالکیت یا حقوق بعنوان عِوض به مستأجر، معلق بر تکمیل و اتمام حفاری باشد. در اینصورت، در طی عملیات حفاری، مالکیتی به مستأجر منتقل نشده و اشتراک در مالکیت ایجاد نمی‌شود تا بحث شراکت معدنی مطرح شود. اما اگر پس از انتقال مالکیت یا حقوق به مستأجر، عملیات همچنان به همان وضعیت قبلی ادامه یابد (چه به موجب قرارداد قبلی یا یک قرارداد جدید) احتمال ایجاد شراکت معدنی وجود خواهد داشت. همچنین توصیه شده که در قرارداد میان مالک و ارائه‌دهنده خدمات حفاری، مالک، اجاره نفتی را بطور تام و کامل واگذار نماید و برای خود صرفاً یک مالکیت یا حق غیرعملیاتی[7] مانند امتیاز بالاسری یا سود خالص نگه دارند. دراینصورت، ممکن است این اختیار به مالک اعطا شود که بتواند بعداً حق یا مالکیت غیرعملیاتی خود را به حق یا مالکیت عملیاتی تبدیل نماید. در اینخصوص باید یادآور شد که علی‌رغم توافق طرفها جهت جلوگیری از بروز اشتراک در مالکیت، اگر سایر عناصر شراکت معدنی (به ویژه اشتراک در کنترل عملیات نفتی) وجود داشته باشد، ممکن است دادگاه از فرم ظاهری قرارداد خرق حجاب[8] نموده و به این نتیجه

1. Mud Control Laboratories v. Covey, 2 Utah 2d 85, 269 P.2d 854, 3 O.&G.R. 1572 (1954).
2. mutual agency
3. Meehan v. Valentine, 145 U.S. 611, 12 Sup.Ct. 972, 36 L.Ed. 835 (1892).
4. community of interest
5. American Association of Professional Landmen (APPL)
6. Mud Control Laboratories v. Covey, 2 Utah 2d 85, 269 P.2d 854, 3 O.&G.R. 1572 (1954)
7. non-operating/non-working interest
8. piercing the veil

برسد که در ماهیت قرارداد اشتراک در مالکیت وجود داشته و در نتیجه شراکت معدنی وجود دارد. همچنین، اگر حقوقی انتقالی به پیمانکار حفاری در قبال خدمات حفاری این قابلیت را از لحاظ حقوقی داشته باشد که بتوان در ازای نقض آن به اجرای عین تعهد را از دادگاه خواست، دادگاه وضعیت را اشتراک در مالکیت و در نتیجه شراکت معدنی تشخیص خواهد داد. در پرونده لیون علیه استکول[1] در سال ۱۹۳۹ در ایالت اکلاهما دادگاه اینگونه حکم داد که برای شناسایی قرارداد عملیات مشترک تحت عنوان شراکت معدنی مالکیت در زمین لازم نیست. در پرونده بنتلی علیه بروسارد[2] در سال ۱۹۰۸ در ایالت یوتا دادگاه چنین حکم داد: «حتی اگر همه طرفها در اموال و املاک موضوع شراکت، مالکیت یا حق مستقیم نداشته باشند نیز، در صورت منتفع شدن شرکا از نتیجه و حاصل بکارگیری این اموال یا انجام عملیات معدنی، شراکت معدنی قابل تصور است» (Williams and Meyers,1,2018:§ 435.2)

در پرونده اکلاهما کمپانی علیه اونیل[3] در سال ۱۹۵۸ در ایالت اکلاهما، طرفهای قرارداد عملیات مشترک نفتی صراحتاً قید نمودند که قرارداد آنها شراکت معدنی محسوب نمی‌شود و دادگاه استدلال برخی از طرفها که قرارداد را شراکت دانسته و برای فسخ قرارداد به دلیل نقض تعهد امانی اقامه دعوا نمودند را رد کرده و تصریح در قرارداد به عدم وجود شراکت را معتبر دانست. در پرونده‌های دیگری[4] نیز به این گونه شروط اعتبار داده شده است. با اینحال، باید در نظر داشت که اولاً، چنین شروطی در دعاوی اشخاص ثالث قابل استناد نیست، برای مثال اگر در دعوای شخص ثالث علیه یکی از طرفها این مسئله مطرح شود که سبب دعوا، مسئولیت مدنی است یا مسئولیت قراردادی، این شرط نمی‌تواند در مقابل ثالث تعیین‌کننده باشد. ثانیاً، با درج این شروط، مالک زمین (که در عملیات نفتی دخالت نمی‌کند) نمی‌تواند در مقابل اشخاص ثالث به شراکت نبودن قرارداد استناد کند و از مسئولیتها یا تعهدات خود ناشی از قرارداد شراکت سربازند اما این شرط، او را از حقوقی که ممکن است در مقابل انجام‌دهنده عملیات نفتی بر مبنای شراکت دانستن قرارداد، داشته باشد محروم می‌سازد (Williams and Meyers,1,2018:§ 435.2).

۲-۴. راهکار قضائی: شناسایی قرارداد عملیات مشترک تحت عنوان جوینت ونچر

یکی از راهکارهایی که رویه قضایی انگلستان و آمریکا ارائه داده، شناسایی جوینت‌ونچر بعنوان یک قالب قانونی جدای از شراکت و شراکت معدنی و اعمال احکام و آثار آن نسبت به قرارداد عملیات مشترک نفتی است. این قالب در رویه قضایی انگلستان جدیداً در حال شناسایی است اما در آمریکا سالهاست که به رسمیت شناخته شده است.

در پرونده‌های اخیر در انگلستان در جهت شناسایی جوینت‌ونچر قراردادی، جدای از مفهوم شراکت، تلاش شده است. در پرونده اسپری علیه اوروک[5] در سال ۱۹۹۹ در دادگاه عالی عدالت، در قرارداد اصحاب دعوی، سهم هریک از شرکا بطور جداگانه نه به صورت مشترک تعیین شده بود. بدین معنا که ممکن است یکی از شرکا سود برده و دیگری زیان کند و به همین دلیل شرط شریک بودن در سود و زیان (مشترک بودن سود و زیان) که در ماده ۲ قانون شراکت مصوب ۱۸۹۰ آمده فراهم نمی‌آید. همین موضع در پرونده سیمون علیه لاگان[6] در سال ۲۰۰۷ در دادگاه پژوهش ایرلند شمالی اتخاذ شد. در این پرونده اظهار شد که اگرچه جوینت‌ونچر با شراکت شباهتهایی دارد اما دو مفهوم جداگانه است. همچنین بیان شد که اگرچه در جوینت‌ونچر شرکتی، شرط مشترک بودن در سود و زیان فراهم می‌گردد اما در جوینت‌ونچر قراردادی به دلیل ساختار متفاوتش این شرط برآورده نمی‌شود. همچنین است در مورد پرونده‌های تاد علیه اَدمز[7] در سال ۲۰۰۲، ونچر علیه نیوان[8] در سال ۲۰۱۰، شل علیه

1. Lyons v. Stekoll, 1939 OK 395, 186 Okla. 94, 96 P.2d 60 (1939).
2. Bentley v. Brossard, 33 Utah 396, 94 P. 736 (1908).
3. Oklahoma Co. v. O'Neil, 1958 OK 286, 333 P.2d 534, 10 O.&G.R. 548 (Okla. 1958).
4. Cross v. Pasley, 270 F.2d 88, 11 O.&G.R. 344 (8th Cir. 1959), cert. denied, 362 U.S. 902, 80 S. Ct. 608, 4 L. Ed. 2d 554; Hill v. Field, 384 F.2d 829, 27 O.&G.R. 747 (10th Cir. 1967); Covert v. Cross, 331 S.W.2d 576, 11 O.&G.R. 823 (Mo. 1960).
5. Spree Engineering & Testing Ltd v. O'Rourke Civil & Structural Engineering Ltd, unreported, 1999 WL 33453546 (High Court of Justice, Queen's Bench Division)
6. Seymour Sweeney v. Lagan Developments Limited, Seamus McCloy, John Walker, Thomas Wilson [2007] NICA 11.
7. Todd and Others v. Adams [2002] 2 All ER (Comm) 97.
8. Venture North Sea Gas Ltd v. Nuon Exploration & Production UK Ltd [2010] EWHC 204 (Comm).

دانا[1] در سال ۲۰۱۰، ایثاکا علیه اِن.اس.سی[2] در سال ۲۰۱۲ و هاشوانی علیه او.اِم.وی[3] در سال ۲۰۱۵. این پرونده‌ها بیانگر تمایل فزاینده دادگاه‌های انگلستان نسبت به شناسایی قرارداد عملیات مشترک نفتی تحت مفهوم جدیدِ جوینت‌ونچر (جدای از مفهوم قانونی شراکت) است (Styles,2018:2.19).

در آمریکا تفاوت بین شراکت معدنی و جوینت‌ونچر ظریف است و بعضاً نیز تفاوت این دو انکار شده است. برخی تفاوت جوینت‌ونچر را با شراکت به این دانسته‌اند که جوینت ونچر معمولاً (اما نه لزوماً) صرفاً برای یک فعالیت واحد تشکیل می‌شود (Williams and Meyers,1,2018:437). با اینحال، جوینت‌ونچر در آمریکا تعریف قضائی خاص دارد. در آمریکا درخصوص شناسایی مفهومی حقوقی تحت عنوان جوینت‌ونچر جدای از مفهوم شراکت پرونده‌های متعددی مطرح شده است. در پرونده گاردنر علیه وسنر[4] در سال ۱۹۳۲ در ایالت تگزاس اصطلاح جوینت ونچر و شراکت معدنی را یک مفهوم قلمداد نموده است. همچنین، در پرونده ویلکاکس علیه امپایر[5] در سال ۱۹۵۲ در ایالت اکلاهما اینگونه بیان شد که باتوجه به اینکه دادگاه عالی اکلاهما حکم بر این داده که در صورت انعقاد قرارداد جوینت‌ونچر، مقررات مربوط به شراکت بر آن حاکم است، حل اختلاف طرفین در تفاوت داشتن جوینت‌ونچر با شراکت ضرورتی ندارد. در پرونده ویتسل علیه پورتر[6] در سال ۱۹۴۹ در ایالت کنتاکی و پرونده آمریکا علیه استاندارد اویل[7] در سال ۱۹۵۷ در ایالت نیویورک، دادگاه جوینت‌ونچر را بعنوان یک مفهوم قانونی و حقوقی در حال توسعه دانست. در پرونده ساندویک علیه لاکروس[8] در سال ۲۰۰۸ در دادگاه عالی ایالت داکوتای شمالی، جوینت ونچر را شبیه شراکت معدنی دانسته اما با این تفاوت که جوینت ونچر محدود به یک فعالیت مشخص و مدت معین است و قوانین حاکم بر شراکت بر جوینت‌ونچر حاکم است. در این پرونده برای ایجاد جوینت‌ونچر چهار شرط ذکر شده است. اول، مشارکت طرفها (با آورده پول، مال، زمان یا مهارت) در انجام یک فعالیت مشترک. دوم، داشتن حق مالکانه یا حق کنترل متقابل (مشترک) بر اموال مشارکت. سوم، توافق صریح یا ضمنی طرفها مبنی بر شریک بودن در سود. البته توافق در خصوص شریک بودن در زیان لازم نیست ولی معمولاً این توافق نیز بین طرفها صورت می‌گیرد. چهارم، انعقاد قرارداد صریح یا ضمنی که دلالت بر تشکیل جوینت‌ونچر نماید (Williams and Meyers,1,2018:435.2; Williams and Meyers,2,2018:1708).

در ایالت تگزاس چهار شرط برای تشکیل جوینت‌ونچر لازم دانسته شده است. اجتماع منافع در جوینت‌ونچر، توافق بر شریک بودن در منافع، توافق بر شریک بودن در زیان‌ها، حق متقابل و مشترک طرفها در کنترل و مدیریت عملیات. در سایر ایالتها، مانند کلرادو، ممکن است قرارداد عملیات مشترک، جوینت‌ونچر محسوب شود. در ایالت وایومینگ چهار معیار برای تشخیص جوینت‌ونچر تعیین نموده‌اند. اول اینکه شرکا باید در جوینت‌ونچر آورده[9] داشته باشند که می‌تواند خدمات، مهارت، دانش، اجناس یا پول باشد. دوم اینکه شرکا باید در منافع شریک باشند. سوم اینکه باید مالکیت مشترک و نیز کنترل مشترک بر موضوع عملیات وجود داشته باشد. چهارم، جوینت‌ونچر معمولاً مربوط به یک موضوع خاص و واحد است تا اینکه دربردارنده چندین قرارداد یا موضوعات مختلف باشد (Williams and Meyers,1,2018:437).

در پرونده‌های جدید نیز تعریف جوینت ونچر مورد نظر قرار گرفته است. در پرونده دادگاه هاردویک علیه اسمیث[10] در سال ۲۰۱۷ در ایالت تگزاس چهار عنصر برای جوینت ونچر لازم دانسته است: اجتماع منافع، توافق بر شریک بودن در منافع، توافق بر شریک بودن در زیانها و کنترل یا مدیریت مشترک بر فعالیت موضوع جوینت ونچر. در این پرونده آمده است که توافق طرفها بر

1. Shell Egypt West Manzala GMBH v. Dana Gas Egypt Ltd (formerly Centurion Petroleum Corp) [2010] EWHC 465 (Comm).
2. Ithaca v. NSE4 [2012] EWHC 1793 (QB).
3. Hashwani & Ors v. OMV Maurice Energy Ltd [2015] EWCA Civ 1171; [2015] 2 CLC 80.
4. Gardner v. Wesner, 55 S.W.2d 1104, 1106 (Tex. Civ. App. 1932).
5. Wilcox Oil Co. v. Empire Oil Co. of Texas, 195 F.2d 860 (5th Cir. 1952).
6. Whitsell v. Porter, 309 Ky. 247, 217 S.W.2d 311 (1949).
7. United States v. Standard Oil Co., 155 F. Supp. 121, 148 (S.D. N.Y. 1957), aff'd, 270 F.2d 50 (2d Cir. 1959).
8. Sandvick v. LaCrosse, 2008 ND 77, 747 N.W.2d 519.
9. contribution
10. Hardwick v. Smith Energy Co., 500 S.W.3d 474 (Tex. App.—Amarillo 2016), vacated in aid of settlement, 2017 Tex. LEXIS 290 (Tex. Mar. 10, 2017).

عدم وجود جوینت ونچر در روابط فیمابین و نیز عدم وجود روابط امانی محترم شناخته می‌شود. همین امر در پرونده بکام علیه مانتل[1] در سال ۲۰۱۰ در ایالت تگزاس مورد تأیید قرار گرفته است.

در صورت تشکیل جوینت‌ونچر هریک از شرکا عموماً این اختیار را دارند که اموال موضوع فعالیت جوینت‌ونچر را فروخته یا انتقال دهند مشروط بر اینکه چنین امری صراحتاً منع نشده و این فروش برای پیش‌برد فعالیت موضوع جوینت‌ونچر باشد. این موضوع در پرونده دیوولت علیه باروک[2] در سال ۱۹۵۴ در ایالت وایومینگ مورد تأیید قرار گرفته است (Williams and Meyers,1,2018:437.1). از منظر قوانین مالیاتی، جوینت‌ونچر تابع مقررات شراکت است و اموال جوینت‌ونچر بعنوان اموال شراکت تلقی می‌گردند (Williams and Meyers,1,2018:437.2).

بطور کلی، با توجه به اینکه در قراردادهای عملیات مشترک در آمریکا (به دلیل عدم پیش‌بینی کمیته راهبری در قرارداد)، مدیریت مشترک وجود ندارد، و از طرفی یکی از شروط اصلی برای قالب قانونی جوینت‌ونچر در آمریکا داشتن کنترل مشترک است، پس این قراردادها جوینت‌ونچر محسوب نخواهند شد.

۳. قالبهای قانونی ایران و شرایط آن

در حقوق ایران، امکان دارد قرارداد عملیات مشترک در سه قالب «شرکت مدنی»، «شرکت تجاری» و نیز «گروه اقتصادی با منافع مشترک» شناسایی و مقررات مربوط به این قالبها بر قرارداد عملیات مشترک حاکم گردد.

۳-۱. شرکت مدنی

اولین قالبی که می‌توان برای قراردادهای عملیات مشترک در نظر گرفت، شرکت مدنی (مواد ۵۷۱ الی ۶۰۶ قانون مدنی) است. آنچه که به موجب قانون مدنی شرکت محسوب می‌شود، مشاع بودن یک مال بین دو یا چند شخص است. لذا، راه‌اندازی فعالیت اقتصادی با هدف کسب سود مشترک، در حقوق ایران دلیل وجود شرکت نیست. با اینحال، برخی حقوقدانان تلاش نموده‌اند با تعریفی عام از شرکت، نیز ارائه دهند: «عقودی است که در آنها دو یا چند شخص برای رسیدن به هدف معین و بدست آوردن سود احتمالی و مشترک باهم متحد می‌شوند، خواه آنچه در میان می‌نهند مال معین باشد یا طلب و اعتبار یا کار یا مخلوطی از اینها» (کاتوزیان، ۹۳: ۶-۷).

موضوع اصلی قرارداد عملیات مشترک، مال مشاع نیست. هرچند که در تأسیسات و اموال عملیات نفتی این اشاعه وجود دارد اما جوهره اصلی قرارداد عملیات مشترک تعهد هریک از طرفها به پرداخت سهم مشخصی از هزینه‌های عملیات و استحقاق (وتعهد) به برداشت سهم مشخصی از نفت تولیدی است.

در تفاوت شرکت مدنی و شراکت در انگلستان باید گفت، برخلاف حقوق انگلستان، هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند بدون رضایت تمامی شرکا دیگر، آنها را مدیون یا متعهد سازد (ماده ۵۸۱ قانون مدنی) اما، راهبر یا مدیر در قانون مدنی ایران ظاهراً از آزادی بیشتری و از محدودیتهای کمتری نسبت به راهبر یا مدیر در حقوق انگلستان برخوردار است که متعهد به وظایف امانی است. طبق ماده ۵۷۷ قانون مدنی: «شریکی که در ضمن عقد به اداره کردن اموال مشترک مأذون شده است می‌تواند هرعملی را که لازمه اداره کردن است انجام دهد و به هیچ وجه مسئول خسارات حاصله از اعمال خود نخواهد بود مگر در صورت تفریط یا تعدی». قسمت اخیر این ماده نیز در راستای اصل «نه زیان» است که شریک مأذون نباید به واسطه اداره مال مشاع، متحمل ضرر گردد ولی نمی‌توان اصل «نه سود» را از آن استنباط نمود که به موجب آن شریک مأذون نباید از موقعیت برتر خود سود برده و منفعتی تحصیل نماید. مسئولیت پرداخت دیون برای شرکا نیز به نسبت سهم‌الشرکه است، در حالی که در حقوق انگلستان (ماده ۹ قانون شراکت مصوب ۱۸۹۰) این مسئولیت، مشترک (تضامنی) است. همچنین، شرکا در حقوق ایران می‌توانند اختیارات

1. Beckham Resources, Inc. v. Mantle Resources, LLC, 2010 Tex. App. LEXIS 1323 (Tex. App.—Corpus Christi Feb. 25, 2010, pet. denied).
2. Dayvault v. Baruch Oil Corp., 211 F.2d 335, 3 O.&G.R. 1161 (10th Cir. 1954).

شریک مأذون را محدود کرده اعم از اینکه اشخاص ثالث از این محدودیتها آگاه باشند یا خیر و نیز می‌توانند هر زمان که می‌خواهند از اذن خود بگردند و به صرف رجوع یکی از شرکای اذن‌دهنده، کل اذن باطل می‌شود.

النهایه، در خصوص شرکت مدنی باید باید دو مسئله را در نظر داشت. اولاً، مطابق ماده ۲۲۰ قانون تجارت، مشارکت باید در قالب شرکت به ثبت برسد در غیراینصورت شرکت تضامنی محسوب می‌شود. ثانیاً، رعایت الزامات سهم داخل که به موجب قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸ وضع گردیده مستلزم ثبت قرارداد عملیات مشترک، در قالب شرکت و یا گروه اقتصادی با منافع مشترک است و صرف انعقاد قرارداد عملیات مشترک بدون ثبت آن به صورت شرکت یا گروه اقتصادی با منافع مشترک، اکتفا نمی‌کند.[۱]

۳-۲. گروه اقتصادی با منافع مشترک

قانونگذار ایرانی قالبی را تحت عنوان «گروه اقتصادی با منافع مشترک» را به موجب ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵ (و پیش‌تر در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور) با الگوبرداری از آنچه که در سیستمهای حقوقی نوشته تحت عنوان گروه منافع اقتصادی وجود دارد شناسایی کرده است.[۲]

به موجب ماده ۲۴ قانون مذکور، گروه اقتصادی چندین ویژگی‌دارد. یک، گروه اقتصادی حتماً باید مدت‌دار باشد و تشکیل گروه اقتصادی بدون مدت امکان‌پذیر نیست. دو، قرارداد مربوطه باید کتبی بوده و نزد مرجع ثبت شرکتها در قالب شرکت مدنی به ثبت برسد. همچنین تشکیل گروه نباید منجر به انحصار گردد. سه، به موجب تبصره ۱ این ماده، تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قرارداد در قبال اشخاص ثالث قابل استناد نیست و اعضای گروه به طور تضامنی مسؤول پرداخت دیون گروه از اموال شخصی خود می باشند، مگر اینکه با اشخاص ثالث طرف قرارداد به ترتیب دیگری توافق شده باشد. مراجع ثبت کننده در صورتی نسبت به ثبت این شرکتها اقدام می کنند که در قرارداد، شرایط تضامن قید شده باشد. چهار، عملیات مربوط به دفاتر تجاری و بازرسی مطابق ماده (۶) قانون تجارت و مواد (۱۵۱) و (۱۵۲) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ انجام می‌شود و تصفیه تابع قرارداد بین شرکا خواهد بود. پنج، فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی موجب انحلال گروه می‌شود، مگراینکه در قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر شده باشد.

۳-۳. شرکت تجاری

از دیگر قالبهایی که برای قرارداد عملیات مشترک می‌توان در نظرگرفت، شرکت تجاری است. این قالب را مقررات تصویبنامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز در سال ۱۳۹۴ صراحتاً پیش‌بینی کرده بوده اما در تصویبنامه ۱۳۹۵ حذف شد. البته به این معنا نیست که ثبت شرکت عملیات مشترک ممنوعیت دارد، بلکه، همانگونه که پیش‌تر گفته شد، در

---

۱. بند ۹ ماده ۱ این قانون مقرر می‌دارد: «مشارکت ایرانی ـ خارجی: شرکت متشکل از اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی و خارجی و یا گروه اقتصادی که با منافع مشترک(کنسرسیوم) از این اشخاص براساس قرارداد قانونی معتبر برای انجام طرح(پروژه) مشخص، تشکیل شده است».

۲. این قالب حقوقی در اتحادیه اروپا تحت عنوان گروه منافع اقتصادی اروپایی (European Economic Interest Groups) به موجب دستورالعمل شماره ۲۱۳۷/۸۵ در سال ۱۹۸۵ میلادی شناسایی شد. این گروه در حقوق انگلستان شراکت محسوب نمی‌شود، زیرا علی‌رغم تشکیل این گروه، فعالیت اقتصادی هریک جدا خواهد ماند و به معنای حقوق انگلستان، اشتراک در فعالیت اقتصادی ایجاد نخواهد شد. در حقوق اروپا، گروه اقتصادی را از گروه‌های شرکتی تفکیک می‌کنند، زیرا در گروه‌های شرکتی یک شرکت مادر کنترل شرکتهای دیگر را در اختیار داشته و یک واحد اقتصادی محسوب می‌شود. در پرونده ویهو علیه کمیسیون اروپایی (Viho Europe BV v. EC Commission [1997] All ER (EC) 163) در سال ۱۹۹۷، دیوان دادگستری اروپا با شناسایی یک گروه شرکتی که در آن یک شرکت مادر را که بر شرکتهای تابعه خود محدودیتهایی بر توزیع محصولات وضع نموده بود، مشمول ماده ۸۵ معاهده اتحادیه اروپا ندانست، زیرا بر این اعتقاد بود که شرکت مادر با شرکتهای تابعه خود یک واحد اقتصادی محسوب می‌شوند نه چندین واحد اقتصادی مستقل که بین خود توافق ضدرقابتی منعقد کرده باشند (Blackett-Ord and Haren,2015:2.51). مفهوم گروه شرکتی از حقوق آلمان (Konzernrecht) رشد و نمو پیدا کرد و سپس به سایر کشورها راه یافت و بیشتر حول محور مسئله مسئولیت مدنی شرکت مادر می‌چرخد (Fedchuk,2012:561-573). به همین دلیل گفته شده از لحاظ مقررات حقوق رقابت، انعقاد قرارداد عملیات مشترک بعید است شرایطی را که قوانین (مثلاً مقررات ادغام اتحادیه اروپا) معمولاً برای ادغام ضدرقابتی مقرر می‌دارند، فراهم آورد (Roberts and Fowler,2020:29).

صورتی که در راستای رعایت الزامات سهم داخل، قرارداد عملیات مشترک، در قالب گروه اقتصادی یا شرکت تجاری به ثبت نرسد، این قرارداد براساس ماده ۲۲۰ قانون تجارت باید شرکت تضامنی محسوب شده و مقررات خاص شرکت تضامنی (که ممکن است بسیاری از آن خواست طرفها نباشد) بر روابط آنها حاکم گردد.

درصورتی که طرفهای قراردادعملیات مشترک بخواهند عملیات را در قالب شرکت تجاری یا گروه اقتصادی انجام دهند، اولاً، مطابق با به موجب بند (الف) ماده ۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸، درصورتی که حداقل ۵۱ درصد از عملیات متعلق به شرکتهای ایرانی باشد، باید ارجاع کار باید با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرائی مربوطه به تصویب هیأت نظارت موضوع ماده ۱۹ و تأیید وزیر صنعت، معدن و تجارت برسد. در صورتی که شرکتهای ایرانی کمتر از ۵۱ درصد یا اساساً سهمی در عملیات مشترک نداشته باشند، ارجاع کار باید با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه مشمول این قانون با ارائه مستندات لازم به تصویب شورای اقتصاد برسد. همچنین در این مورد، گزارش موارد خاص تصویب‌شده در شورای اقتصاد موضوع این بند همراه با مستندات باید هر سه ماه یک‌بار به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی ارائه شود. ثانیاً، مطابق با «آیین‌نامه تشخیص قراردادهای مهم نفتی و نحوه انعقاد آنها»[۱] مصوب ۱۳۹۶ هیأت وزیران، موضوعات مهم قراردادهای بالادستی نفتی (ارزش قرارداد، قانون حاکم، مدت قرارداد، توجیه فنی، اقتصادی و زیست محیطی، برآورد مبلغ سرمایه‌گذاری، زمان‌بندی اجرا و بازپرداخت و سقف تعهد دولت) باید به تصویب شورای اقتصادی برسد، همان مرجعی که در قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی باید امکان انعقاد قرارداد با شرکتهای خارجی را تصویب نماید. از سوی دیگر، مطابق با تصویب‌نامه در خصوص نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی[۲] مصوب ۱۳۹۵ هیأت وزیران مقامات و مراجع دیگری را برای تأیید برخی از جوانب و مفاد قرارداد وضع نموده که تأیید آنها علاوه بر شورای اقتصاد لازم است. بند یک این تصویبنامه چنین مقرر می‌دارد:«کلیات قراردادهای نفتی شامل قیمت، مدت و اعمال شرایط عمومی باید به تأیید وزیر نفت برسد» و مطابق با بند شش الحاقی به همین تصویبنامه: «بررسی عدم مغایرت قراردادهای منعقده با مصوبه دولت در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز بر عهده هیأتی با صلاحیت حقوقی، فنی، مدیریتی، سیاسی و امنیتی خواهد بود که اعضای این هیأت توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌شود».

۴. نتیجه

در حقوق انگلستان ممکن است قرارداد عملیات مشترک، شراکت محسوب شده و آثار قانونی آن بر قرارداد حاکم گردد. معیار اصلی شراکت، شریک بودن در سود و زیان است؛ بدین معنا که تولیدات حاصل از عملیات موضوع شراکت، فروخته شده و عایدات حاصل از فروش به نسبت بین شرکا تقسیم می‌گردد. در قراردادهای عملیات مشترک برای اینکه مقررات مربوط به شراکت بر قرارداد تحمیل نگردد، قید می‌گردد که هریک از طرفها به طور جداگانه تولیدات سهمی خود را برداشت نمایند، نه اینکه نفت وگاز تولیدی مشترکاً به فروش رفته و عواید حاصل از فروش بین طرفها تقسیم گردد.تمایل رویه قضائی انگلستان نیز اخیراً به سمت عدم شناسایی شراکت برای قرارداد عملیات مشترک و شناسایی جوینت‌ونچر بعنوان قالبی جدید برای قراردادهای عملیات مشترک است. با اینحال، در حقوق انگلستان ممکن است برخی از آثار حقوقی قالب شراکت بر قرارداد عملیات مشترک تحمیل گردد، بدون اینکه خود قرارداد تحت عنوان شراکت، شناخته شود.

عنصر اصلی شراکت معدنی و جوینت‌ونچر در حقوق آمریکا، کنترل یا انجام عملیات بطور مشترک است. بدین معنا که اگر عملیات نفتی بصورت مشترک از سوی طرفهای قرارداد عملیات مشترک تحت کنترل و مدیریت قرار گیرد، ممکن است آثار قالب شراکت معدنی یا جوینت‌ونچر بر قرارداد عملیات مشترک تحمیل گردد. البته، اشتراک در عملیات بدین معنا نیست که لزوماً طرفها در عملیات فیزیکی مشارکت داشته باشند، بلکه صرف وجود حداقل کنترل و نظارت بصورت مشترک کافی است. به همین

۱. نقل از روزنامه رسمی شماره ۲۱۱۵۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۰۴.

۲. نقل از روزنامه رسمی شماره ۲۰۸۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۱۸.

سبب، نمونه قراردادهای آمریکا در جهت حذف نهاد کمیته راهبری از قرارداد خود برآمده و سعی به اعطای اختیارات حداکثری به راهبر نموده است تا وجود حداقل کنترل مشترک را منتفی نمایند.

در حقوق ایران دو عنصر گفته شده در حقوق انگلستان و آمریکا (شراکت در سود و زیان و کنترل و مدیریت مشترک) برای شناسایی قرارداد عملیات مشترک بعنوان شرکت موضوع قانون مدنی یا قانون تجارت وجود ندارد. خاصه که ماده ۲۲۰ قانون تجارت تا حدود زیادی تکلیف را مشخص نموده است. در همین جهت برای رعایت قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸، قرارداد عملیات مشترک باید در قالب شرکت یا گروه اقتصادی با منافع مشترک به ثبت برسد و صرف انعقاد قرارداد عملیات مشترک بدون ثبت آن به صورت شرکت یا گروه اقتصادی با منافع مشترک، شرایط این قانون را فراهم نمی‌آورد.

با اینحال، احتمال اعمال قانون ایران به عنوان قانون حاکم قرارداد عملیات مشترک (به موجب مقررات جدید نفتی ایران)، این امر را برای طرفها لازم می‌نماید که مقررات مربوط به ایران دراینخصوص را مدنظر قرار داده و جهت کنترل و مدیریت ریسک قانونی–قراردادی، مفاهیم و اصطلاحات کامن‌لایی موجود در قراردادهای عملیات مشترک را با مفاهیم قانونی ایران تطبیق نمایند.

منابع

شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۳)، حقوق نفت و گاز، انتشارات میزان.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، حقوق مدنی، عقود معین، جلد دوم (مشارکتها- صلح)، گنج دانش، چاپ دهم.

References

AIPN, (2006), Guidance Notes to AIPN Model Form International Unitazation and Unit Operating Agreement.

AIPN, (2012), Guidance Notes to AIPN 2012 Model Joint Operating Agreement.

Blackett-Ord, Mark and Sarah Haren, (2015), Partnership Law, Bloomsbury Academic.

Fedchuk, Valery, (2012), Modern Legal Regulation of Corporate Groups in National Private Law, Uniform Law Review, Volume 17, Issue 3, pp. 561–573.

Fowler, Reg and others, (2019), The AIPN Joint Operating Agreement: A Practical Guide, Globe Law and Business.

Jackson, James, (1986), Agency in Joint Operating Agreements and Joint Ventures, 1986 AMPLA Yearbook, p. 239.

Jones, Lee Jr., (1934), Mining Partnerships in Texas, Texas Law Review, vol. 12, no. 4, pp. 410-434.

Kiesling, Bob, (1960), Mining Partnerships, Baylor Law Review, vol. 12, no. 1, pp. 103-112.

Lowe, John S., (2019), Oil and Gas in a Nutshell, West Academic Publishing, 7th edition.

Mosburg, Lewis, (1986), Comment: The Joint Operating Agreement: Partnership or not?, Journal of Energy & Natural Resources Law, Vol. 4, no. 2, pp. 80-84.

Pereira, Eduardo G., (2015), Joint Operating Agreements, Challenges and Concerns from Civil Law Jurisdictions, Kluwer Law International.

Pereira, Eduardo G., (2018), Joint Operating Agreements: Risk Control for the Non-Operator, second edition, Globe Law and Business.

Roberts, Peters and Reg Fowler, (2020), Joint Operating Agreements, 4rd Edition, Globe Law and Business.

Root, Thomas E., (1979), Economic Influences on the History and Development of the Mining Joint Venture as a Vehicle for Hard Mineral Exploration and Development, Natural Resources Lawyer, Vol. 12, No. 3, pp. 491-510.

Shaw, Sandy, (1996), Joint Operating Agreements, in Martyn R. David (ed), Upstream Oil and Gas Agreements, Sweet and Maxwell.

Styles, Scott Crichto, (2018), Joint Operating Agreements, in Greg Gordon, John Paterson, Emre Üşenmez (eds.), Oil and Gas Law: Current Practice and Emerging Trends, Vol. II, 3rd edition, Edinburgh University Press.

Taylor, Michael PG and Sally M Tyne, (1992), Taylor and Winsor on Joint Operating Agreements, 2nd Edition, Longman.

Treitel, Guenter, (2015), The Law of Contract, 14th edition (edited by Edwin Peel), Sweet & Maxwell.

Williams, Howard R. and Charles J. Meyers, (2018), Oil and Gas Law, (edited by Patrick H. Martin et. al), LexisNexis.

Williams, Howard R. and Meyers, Charles J., (2018), Manual of Oil and Gas Terms: Annotated Manual of Legal, Engineering and Tax Words and Phrase, (edited by Patrick H. Martin and Bruce M. Kramer), LexisNexis.

Wrightington, Sydney R., (2002), The Law of Unincorporated Associations and Similar Relations, The Lawbook Exchange, Ltd.